

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنګ راد

۱۰/۱۲/۲۸

تعرض جهانی سرماییه به معیشت کارگران و زحمتکشان

صاحبان قدرت دنیا را بهمیدان تعرض علیه محرومترین اقشار جامعه تبدیل نموده‌اند و هر روز خبری از در بدری و بدبختی هر چه بیشتر قربانیان نظام‌های سرمایهداریست. دست اندازی به سفره ناچیز اکثریت آحاد جامعه برای اقلیتی مفت‌خوار، حد و حسابی ندارد. به این مملکت و آن مملکت و به این جامعه و آن جامعه خلاصه نمی‌گردد و ابعاد جهانی یافته است. تمامی دست‌آوردهای ملیون‌ها انسان را یکی پس از دیگری - و آن‌هم با زور و چماق - باز پس می‌گیرند تا به بحران خود پاسخ دهند. جهان در یک کلام در تنش و التهاب شدید سیاسیست و هر لحظه منتظر خبر ناگوار و تکان دهنده دیگریست. سرمایهداران چنین دنیای نکبت‌باری را برای محرومان ساخته‌اند، تا دنیای خود را داشته باشند؛ دنیایی که نشانی از محترم شمردن به حقوق اولیه محرومان نیست و فقط و فقط به درد ظالمان و جیره خواران ریز و درشت‌شان می‌خورد.

در حقیقت تصویر جهان این‌روزها به دلیل سیاست‌های استثمارگرانه ظالمان به گونه‌ای دیگر رقم خورده است و همه‌جا به صحنه تنش، جنگ و گریز و درگیری‌های خیابانی توده‌های محروم و فرزندان‌شان با سرکوب‌گران و حافظان سرماییه تبدیل گردیده است. همه جا جدال نابرابر طبقاتیست و جانیان بشریت می‌خواهند با قلدری و با توسل به سلاح، سیاست "ریاضت‌کشی" را به جامعه تحمیل و زندگی را بر کارگران و زحمتکشان تنگ و تنگ‌تر نمایند. از یونان و ایران گرفته تا فرانسه و انگلستان و بالاخره در همه‌جا چنین وضعیتی ناهنجاری حاکم گردیده است و در این میان میلیاردها انسان رنج‌دیده از تأمین نیازهای اولیه زندگی خود باز مانده‌اند.

واضح است که با وجود سرمایهداران، پایانی در استثمار بی‌حد و حصر و جدال ناعادلانه متصور نیست و همه قصد و هدفشان به بغما بُردن تمامی امکانات و نعمات جامعه به نفع طبقه خودیست. به همین دلیل است که وحشیانه به جان مردم می‌افتند و با هرگونه مخالفتی به‌مقابله خونین بر می‌خیزند. به ظاهر مدافع دموکراسی و محترم شمردن به حقوق پایه‌ای مخالفان و معترضان‌اند و به دروغ می‌گویند که مدافع آزادی بیان‌اند، و اما در عمل، راه و سیاست خود را پیشه می‌گیرند تا مبادا "امنیت سرماییه" به خطر افتد.

اتخاذ چنین سیاستی همگانیست و شکی در آن نیست که طبقه سرمایه‌دار قادر به خلاف چنین روند و رویه‌ای نیست. همه‌جا ارگان‌های مسلح‌اش، پیش‌قدم‌اند و همه‌جا مخالفت‌ها و اعتراضات مسالمت‌آمیز را به خاک و خون می‌کشند. سرکوب توده‌های محروم و مخالفین یونان، ایران، فرانسه، انگلستان و غیره توسط ارگان‌های بقای سلطه سرمایه از زمره نمونه‌هاییست که دنیای انسانی در یکی دو ماهه اخیر شاهد آن بوده است. خیابان‌های یونان را به صحنه جنگ تبدیل نمودند و دانش‌آموزان انگلستان را مورد ضرب و شتم قرار دادند تا سیاست‌های ارتجاعی و منفعت‌طلبانه خود را به پیش ببرند.

به راستی این چه سیاستیست که بر میلیاردها انسان محروم سرتاسر جهان تحمیل می‌نمایند؟ این چه سیاست و منشیست که در پیش می‌گیرند تا جهان کنونی را "سر زنده" نگه دارند؟ این چه تفکر و باوریست که به دروغ، دولت‌هایی همچون انگلیس، فرانسه و غیره را به عنوان دولت‌های مدافع دموکراسی و آزادی معرفی می‌نماید؟ دولت‌ها و جوامعی که وظیفه و رسالتی جز حفظ و حراست از مناسبات گنبدیده سرمایه‌داری و تعرض به جان و مال کارگران و زحمت‌کشان و فرزندان‌شان بر عهده ندارند. در عمل مشاهده شده است که دولت‌ها و اشکال متفاوت حکومتی جهان، با سرکوب و بگیر و ببند مخالفین و معترضین است که حکمروانی می‌کنند و در چهارچوبه فکری - منفعتی آنان، مجالی برای ابراز مخالفت و طرح خواسته‌های پایه‌ئی مردم نیست. به این دلیل به مردم یونان تعرض نمودند، که خواهان امنیت جانی و زندگی‌اند؛ به دانش‌آموزان و دانشجویان انگلیس به این دلیل حمله نمودند که مخالف سه برابر شدن شهریه دانشگاه‌ها و قطع کمک هزینه‌اند؛ اعتراضات به حق توده‌های ستمدیده‌ی ایران را به خاک و خون می‌کشاند به دلیل این‌که مخالف افزایش قیمت کالاها و اقلام اولیه زندگی‌اند؛ بر سر مردم فرانسه ریختند به دلیل این‌که مخالف افزایش سن باز نشستگی‌اند؛ به دانشجویان ایتالیا حمله می‌کنند به دلیل این‌که مخالف "اصلاح آموزشی" دولت برولوسکونی‌اند و خلاصه این‌که تصویر زندگانی جهان زحمت‌کشان، بیش از اندازه دردناک و وخیم است و روز به روز شکل ناهنجارتری به خود می‌گیرد.

به عبارتی حقیقی‌تر، ترمز تعرض سرمایه کاملاً بُریده شده است و به تنمه‌های کارگران و زحمت‌کشان یورش می‌آورد و روزانه جان هزاران نفر را می‌گیرد و هزاران تن دیگر را از خانه و کاشانه خود آواره می‌کند. این خاصیت و ذات سرمایه است و همه‌جا به گونه‌ای واحد و یکسان عمل می‌کند. همه‌جا موضوع و خواسته‌اش استثمار و چپاول هر چه بیشتر کارگران و زحمت‌کشان و به یغما بُردن امکانات جامعه به نفع طبقه خودیست. همه‌جا با سرکوب و با به رُخ کشیدن گله‌های مزدور و مسلح، سیاست‌هایش را به پیش می‌برد. گوشه‌ای از جهان سرمایه‌داری را نمی‌توان سراغ داشت که در آن از سرکوب عریان و خشن محرومان خبری نباشد؟ علناً اعلام می‌کنند که بدون کار بست زور، قادر به پیشبرد سیاست‌های ارتجاعی‌شان نیستند. این یک‌طرف قضیه است و اما طرف دیگر آن که به مردم یعنی به قربانیان نظام‌های سرمایه‌داری مربوط می‌شود، سر از خیابان‌ها در آورده‌اند و در تقابل با یورش افسار گسیخته سرمایه‌داران جهانی به صف شده‌اند و خواهان تغییر نظام‌های کنونی و پس زدن همه استثمارگران و ظالمان از تاج و تخت‌شان می‌باشند.

در بستر چنین واقعیتیست که هزاران تن از دانش‌آموزان و دانشجویان انگلیس در اعتراض به افزایش شهریه دست به اعتراض زدند و در اقدامی جسورانه دفتر حزب محافظه کار را تسخیر نمودند و از انقلاب و دگرگونی سخن گفتند. دانشجویان ایتالیا با سنگ و چوب به جان پولیس افتادند و خواهان لغو "اصلاح آموزشی" دولت سرمایه‌داری‌اند و جوانان خشگمین یونان در اقدامی مشابه و در اعتراض به وحشی‌گری‌های نیروهای سرکوب‌گر یونان به بانک‌ها و مراکز پلیس حمله نمودند و هزاران تن دیگر از مردم این کشور، با تجمعی گسترده و با حمل

نوشته‌هایی همچون عامل بحران اقتصادی یونان کسانی جز سرمایه‌داران نیستند، خواستار ملی شدن بانک‌های یونان‌اند.

همه این‌ها و از این‌دست موارد - که فراوان‌اند -، نمایان‌گر خشم و غضب ملیون‌ها انسان رنج‌دیده در مقابل مظالم سرمایه‌داران جهانی‌ست. همه این‌ها نمایان‌گر آن است‌که زندگی در چنین مناسبات و روابطی برای کارگران و زحمت‌کشان ناممکن گردیده است و روز به روز بر میزان بیکاری، فقر و نداری می‌افزاید. همه این‌ها نمایان‌گر آن است‌که دنیای کنونی مؤلف تخریب هر چه بیشتر زندگانی محروم‌ترین اقشار جامعه است.

توده از تهیه مایحتاج اولی زندگی خود ناتوان است و در عوض، عنصر کثیفی همچون احمدی‌نژاد از "تحول اقتصادی" سخن می‌گوید. دانشجویان از تأمین شهریه‌های سرسام‌آور عاجزاند و در عوض وزیر آموزش ایتالیا وقیحانه می‌گوید "اصلاحات در نظر گرفته شده باعث خواهد شد این کشور میلیاردها یورو کمتر هزینه کند و نظام آموزشی خلق شود که شایسته سالار است". به زعم این جانیان و استثمارگران "تحول اقتصادی" و "نظام آموزشی شایسته سالار" چیزی جز تضمین و تأمین منافع طبقه سرمایه‌دار و بستن در میادین آموزشی بر روی فرزندان محرومان و زحمت‌کشان نیست.

حقیقتاً که اوضاع کنونی برای میلیاردها انسان محروم جهان تعریفی ندارد و بانی اصلی آن سرمایه‌داران‌اند و پر واضح است‌که پایدار نخواهد ماند و روزی با سلاح توده نی‌ترکیده خواهد شد. چرا که چاره، راه و روش دیگری را استثمارگران در مقابل جوانان و ملیون‌ها انسان رنج‌دیده باقی نگذاشته‌اند و مسلم است به همان میزانی که مشاهده تصویر دنیای کنونی برای آزادی‌خواهان و مدافعان راه رهائی دردناک می‌باشد به همان میزان هم بشارت دهنده و نوید بخش است. نشان دهنده آن است‌که سرمایه‌داران علی‌رغم در دست داشتن سلاح‌های گوناگون، به راحتی و با خیالی آسوده قادر به تحقق سیاست‌های ارتجاعی‌شان نخواهند بود. گسترش و مخالفت‌های اعتراضی کارگران و زحمت‌کشان سرتاسر جهان در چند ماهه اخیر در حول و حوش تعرض تازه و افسار گسیخته سرمایه و آن‌هم تحت عناوین "صرفه‌جویی"، "تحول اقتصادی"، "نظام آموزشی شایسته سالار" و غیره گویای این حقایق است‌که دنیای کنونی نیازمند تحول بنیادی‌ست؛ نشان دهنده آن است‌که نابودی فقر توده‌ها در چنین نظام‌های ناممکن می‌باشد و زمانی استثمار و در بدری توده‌های ستم‌دیده ریشه کن خواهد شد که پرچم کارگران و زحمت‌کشان به اهتزاز در آید. با این اوصاف دنیا و جوامع متفاوت، نیازمند علم شدن یگانه پرچم رهائی و افکار انقلابی و پیشروی سازمانده و هدایت‌کننده اعتراضات به حق توده نی علیه نیروهای مسلح و اوباشان سرمایه‌داری‌ست. مسلماً پس زدن تعرض سرمایه‌داران و بر چیدن اشکال متفاوت حکومتی در دنیای کنونی در اتخاذ سیاست‌های تعرضی کمونیست‌های راستین و رزمنده مربوط می‌باشد و تنها در چنین شرایطی‌ست که معیشت کارگران و زحمت‌کشان و فرزندان‌شان تأمین و تضمین خواهد گردید.

۲۷ دسامبر ۲۰۱۰

۶ [جدی] ۱۳۸۹

<http://triboonshoma.wordpress.com>